

## ویراژ فخر فروشی در فرهنگ عمومی کشور

جای مالیات، خمس، زکات و انفاق در زندگی مال‌اندوزان بالانشین خالی است

■ **الناز خمایی‌زاده**

تصادف اتومبیل‌های لوکسی که چندی پیش در یک شب، در دو خیابان مختلف پایتخت به دلیل سرعت بیش از حد رخ داد و منجر به کشته شدن سرنشینانشان شدند، آدم را یاد فیلم «جنون سرعت» می‌اندازد، اما آنچه در این دو حادثه تلخ شبانه به چشم می‌آید، جنون فخر فروشی و ثروت سرریز شده‌ای است که این روزها در فرهنگ عمومی بالانشینان پایتخت به وفور خودنمایی می‌کند؛ خطری که در زیر پوست فرهنگ عمومی کشور می‌خزد و اهمیت آن حتی به صورت مصداقی در سخنان اخیر مقام معظم رهبری نیز نمود داشته است.

در یکی از شب‌های آخرین روزهای فروردین، پهنه خیابان شریعتی و اتوبان همت محل جولان دادن و صدهای خراشیده ویراژ یک اتومبیل بی‌ام و آخرین سیستم و یک پورشه است که در خلوتی بامدادی یک تنه در مسیر جاده گاز می‌دهند و قوانین حداکثر سرعت درون‌شهری را زیر پا می‌گذارند؛ جنونی که از خیابان‌ها این جوان‌هایی که مست ثروتمند –مست غرور ثروت– سوار ماشین‌های آنچنانی



سر نشینان این دو اتومبیل لوکس به منزله پایان یک داستان غم‌انگیز در نیمه‌های شب نیست. این دو اتفاق حکایتگر خطر بزرگی است که در لابه‌های زیرین فرهنگ عمومی کشور در حال جولان دارد. فرهنگ عمومی اقتصار برمد آمدن کشور و به ویژه بالانشین پایتخت به شدت دارد به سوی فخر فروشی و قانون گریزی در ابعاد و اشکال مختلفش پیش می‌رود؛ و اینجنانجی که پول‌ها و ثروت سرریز شده به آن جسارت و قدرت داده است. برای آنکه مصداق این قبیل فخر فروشی‌ها و ناهنجاری‌های فرهنگی را ببایم، کافی است سری به خیابان‌های بالای شهر زنگنه یا بینیم که چگونه در ساعاتی خاص، سرنشینان اتومبیل‌های لوکس در فضای رؤیایی فیلم‌هایی مثل «جنون سرعت» ویراژ می‌دهند یا برای عابران و سایر مردم رژه و مانور فخر فروشی را برگزار می‌کنند. این خطر از زوایای مختلف تأثیرات منفی خود را بر فرهنگ عمومی کشور و نیز وضعیت روحی و روانی جامعه خواهد گذاشت؛ طیفه‌ای که فاصله میان آنها با سایر طبقات اجتماعی به اندازه یک سیاه‌چاله کهکشانی است و از مال سرریز شده خود به عنوان ابزاری برای فخر فروشی به سایر مردم

# فرهنگ و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

قلمزن اصفهانی در گفت‌وگو با «جوان» از بی توجهی به صنایع دستی گلایه می‌کند

# پای چینی‌ها به قلمزنی هم باز شد!

■ **معصومه طاهری**

هنر در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که بسیاری از مردم دنیا ایرانیان را به هنرشان می‌شناسند. در این میان وقتی حرف از هنر به میان می‌آید اصفهانی از جمله شهرهایی است که بلافاصله نامش به ذهن متبادر می‌شود. هنرمندان این شهر گاه در خارج از کشور مشهور تر از داخل هستند به همین خاطر در این زمان که تحریم‌ها و ماجرای نفت اقتصاد کشور را مورد حمله قرار داده پیش از پیش باید هنر صنایع دستی تقویت و حمایت شود اما با این وجود متأسفانه مسئولان برای



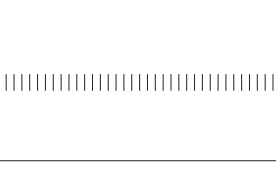
از چه زمانی وارد این هنر شدید؟
۸۰ بود که رسماً به عنوان قلمزن حرفه‌ای وارد کار هنر شدم البته این هنر در خانواده مادری موروثی بوده است و پدر بزرگم از استادان شناخته شده این هنر بودند. اصولاً برای آموزش این هنر نیاز است تا چند سالی شاگردی کرد تا کم و کیف کار را یاد بگیریم ولی خدا به من کمک کرد و فقط نزدیک یکسال شاگردی کردم. سه تا چهار ماه نزد دایی‌ام از استادان فن این حرفه بودم. بعد از آن پیش استاد محمدرضا جلالی و سه تا چهار ماهی هنر نزد پسر استاد سایب یعنی فرشاد سایبی تلمذ کردم که این مدت زمان برای همه قلمزنان کافی نیست ولی خدا خواست من در این مدت کوتاه خوب با پیچ وخم این هنر آشنا شوم.

ویژگی هنر قلمزنی نسبت به سایر هنرهای سنتی چیست؟

ماندگاری و دوام آن است که در طول زمان حتی اگر ضربه هم بخورد آسیب قابل توجهی نمی‌بیند در حالی که هنرهای دیگر این مشخصه را ندارند مثلاً خاتم کاری هر چند زیباست اما در برابر رطوبت آسیب‌پذیر است یا مینتکاری با کوچک‌ترین ضربه‌ای مواد آن می‌ریزد و زیبایی خود را از دست می‌دهد یا آثار مینیاتوری در برابر رطوبت و باد آوم ندارند.

پس این هنر جای پرداختن زیادی دارد تا به عنوان یک هنر به صرفه صادراتی در نظر گرفته شود!

بله، اما متأسفانه نه به این هنر و نه به هیچ قسمتی از هنرها توجه چندانی نمی‌شود و کاری در این زمینه انجام نشده است. در سطح کشور ما حدود ۳۰۰ نوع صنایع دستی داریم که اگر با



کاهش بودجه قیل از هر چیز سراغ فرهنگ و هنر می‌روند. این در حالی است که اگر در این عرصه به صورت حرفه‌ای ورود کنیم، نه تنها عرصه فرهنگ و هنر نام ایران و ایرانی را در جهان برافراشته نگاه می‌دارد بلکه به نوبه خود آرزو آور و سوده‌ده نیز هست؛ در نبود سیاست‌های درست و نگاه‌های مدبرانه، هنر ایران زمین ضربه‌های جبران‌ناپذیری خورده است به همین بهانه با محمدرضا رحمانی استاد قلمزن، یکی از هنرمندان جوان اما کهنه‌کاری که نسل اندر نسل در این هنر استخوان خرد کرده‌اند و کارشان به یک برند بین‌المللی تبدیل شده است، به گفت‌وگو نشستیم.

ندارد و زیبا هم نیست. کبی کاری هیچ وقت مانند قلمزنی نمی‌شود. چینی‌ها در همه چیز وارد شدند و بدل‌سازی می‌کنند. در نمایشگاه قرآن غرفه‌ای بود که مینای کبی را در قاب گذاشته بودند و می‌فروختند. وقتی به مدیر نمایشگاه گفتم، ناباورانه جواب داد ما کاری به این کار نداریم؛ متأسفانه همه به پول و سود نگاه می‌کنند و توجهی به هنر ندارند. **مردم تشخیص می‌دهند؟**
متأسفانه خیلی‌ها اثر اصل را از بدل تشخیص نمی‌دهند و نمی‌شناسند. **قلمزنی فقط در اصفهان است یا در شهرهای دیگر هم وجود دارد؟**

در شهرهای دیگر هم هست ولی خیلی کم و جزئی شاید به تعداد انگشتان دست فروشگاه‌هایی باشد. همان طور که گفتم در مشهد سه تا چهار مورد بود، در تهران هم ندیدم. مهد قلمزنی در اصفهان است.

**بعضاً هفته‌های فرهنگی بین کشورها برگزار می‌شود. آیا این قضیه در رشد و رونق صنایع دستی به خصوص قلمزنی مؤثر بوده است؟**

من اولین باری است که از شما چنین معرفی می‌شوند که همان‌ها انتخاب و اعزام می‌شوند در حالی که می‌بایست فراخوان داده شود تا در فضای باز همه هنرمندان بتوانند شانس خود را امتحان کنند و اگر توانایی ظهور و بروز در سطح بین‌المللی را دارند، ورود داشته باشند اما اصولاً اتحادیه با افرادی که بیشتر کار می‌کند، ارتباط دارد.

**راهکار دستی برای رونق صنایع دستی چیست؟**

دولت باید هزینه کند و از لوازم و مواد باکیفیتی که برای ساخت این صنایع دستی لازم است استفاده کند، این خود به خود باعث رونق کار می‌شود. وقتی چند مهمان خارجی بیاند همین که آثار هنری را ببینند خوششان می‌آید و تبلیغ می‌شود. در اماکن عمومی از هنرها استفاده بشود مثلاً پذیر بزرگم ستون‌های فرودگاه کرمان را با مس کار کرد، با‌لاخره آنجا محل رفت وآمد زیاد داخلی و خارجی است، کار معرفی می‌شود یا ستون‌های خانه‌ها را با هنر که کم می‌توان زیبا کرد. من هنر را اصولی مهجور بسودن این کشور را نبود تبلیغات می‌دانم که شناختی روی آن نیست تا میل و انگیزه برای خرید باشد.

**مشتتری‌های شما عمدتاً چه طیفی هستند؟**

اغلب تاجار و سرمایه‌دار هستند البته خیلی از این افراد شاید اصلاً کار نشناسند اما چون پول دارند اثر را می‌خرند.

**از چه کشورهایی؟**

بیشتر سرمایه‌داران داخلی یا خارجی از امریکا و اروپا مشتری ما هستند اما چون بیشتر آثار ما چهره یا تصویر حیوانات است، عرب‌ها دوست ندارند و چندنا رنگینی برای خرید ندارند.

**چینی‌ها در همه هنر‌ها به نوعی ورود داشتند در قلمزنی چطور؟**

بله، اینجا هم ردپای چینی‌ها زیاد است اما کارهایی با مواد پلاستیکی و بدون کیفیت تولید می‌کنند که کارایی چندانی

## نمایش فیلم «سلما» در تمام دبیرستان‌های امریکا

جمعی از موزسین‌های مطرح امریکایی مانند مایکل جکسون، موسیقی‌های اعتراضی در این زمینه ساخته بودند. نویسنده‌گانی همچون لیکس هیللی نیز با انتشار چندین کتاب در این باره با عناوین «ریشه‌ها»، «مصاحبه مالکوم ایکس» و… روایت‌های متعددی درباره تبعیض موجود نسبت به سیاهپوستان در امریکا منتشر کردند.

حالا و در راستای برنامه از پیش تعیین شده «سلما» برای دانش آموزان، کمپانی پارامونت برای تمام دبیرستان‌های دولتی و خصوصی ایالات متحده یک نسخه رزآ پارک و… را به خود دیده است و حتی



ایرا وینفری، بازیگر، مجری و تهیه‌کننده سرشناس امریکایی در توئیترش اعلام کرد که همه دبیرستان‌های امریکا یک نسخه از «سلما» را در یافت می‌کنند. چند سال است که اعتراضات سیاهپوستان در امریکا شدت گرفته است. آنها به آپارتایدی که در جامعه امریکاسبست به آسان وجود دارد، معترضند. در جریان این اعتراضات تعدادی از سیاهپوستان معترض توسط پلیس امریکا کشته شدند. پلیس امریکا به دلیل اقدامات متهم به «ژادپرستی» شده است. اوپامارتین جهپهور امریکا یک سیاهپوست است و دلیل انتخاب او را مدیریت روانی اعتراضات مدنی در جامعه امریکامی‌دانند.

در سال‌های اخیر نیز جایزه اسکار به چند فیلم با موضوع حقوق سیاهپوستان و ظلمی که در جامعه امریکا به آنها روا داشته شده، اختصاص یافته است. برخی این روند را در ادامه همان توجیه روانی کاهپین شدت اعتراضات تحلیل می‌کنند و برخی دیگر این را حرکت و تلاش برخی دولتمردان امریکایی برای محترم شمردن این حقوق و از بین بردن نگاه تحقیرآمیز



انتقاد از عملکرد دوگانه رسانه‌ها در برابر دو مورد اسیدپاشی

### رسانه‌های بیگانه مانند مگس هستند

■ **محمدصادق عابدینی**

رفتار دوگانه رسانه‌های بیگانه و برخی رسانه‌های همسو با آنها در قضیه اسیدپاشی بر صورت آمنه بهرامی و چهار مورد اسیدپاشی در اصفهان که در اولی با فششار بسر آمنه بهرامی خواستار عدم اجرای قصاص شدند و از طرف دیگر در اصفهان به گونه دیگری عمل نمودند، موضوع مستند «چشم در برابر چشم» شد.

در جلسه نقد و بررسی این مستند که به کارگردانی سیدمحمدعلی صدیقی‌ناواز سوی مرکز مستندسازی سفیر فیلم تولید شده است، صدیقی‌ناواز گردان گفت: ماچندسنازوبورای کار داشتیم که یکی از آنها پرداختن به موضوع اسیدپاشی در اصفهان بود که به دلیل فضای امنیتی اجازه چنین کاری به ما داده نشد. بنابراین به دنبال سناریوی دیگری رفتم و به موضوع اسیدپاشی روی خنسم آمنه بهرامی در سال ۸۳ و اسیدپاشی اصفهان در سال ۹۳ پرداختیم. در آن زمان لایحه امر به معروف و نهی از منکر هم در مجلس مطرح شده بود و برخی از رسانه‌ها با نگاه سیاسی به مسائل اجتماعی تلاش داشتند تا قصاص‌وامر به معروف را سیاسی کنند که تحلیل‌های غلطی داشتند. ماجرای اسیدپاشی در اصفهان نکته مهمی داشت که برخی از رسانه‌ها می‌گفتند این کار برای امر به معروف و نهی از منکر است. بحث ما این بود که چرا این رسانه‌ها چنین ادعایی را مطرح می‌کنند؟ به نظر من در آن زمان دو اسیدپاشی رخ داد، ابتدا اسیدپاشی روی دختران و دومی اسیدپاشی رسانه‌ای روی امنیت اخلاقی جامعه.

علی‌کریمی منتقدسیمنامیز با تأکید بر اینکه حادثه اصفهان جنایتی سازماندهی شده بود که در پشت آن اهداف سیاسی قرار داشت، جریان خاتم بهرامی یک جنایت فردی است و نباید با ارتباط برقرار کردن میان آن دو حادثه اصفهان دچار اشتباه شویم. اولی جنایتی با انگیزه شخصی است و دومی اقدامی برنامه‌ریزی شده محمدرضاشرافالدین رئیس انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از سازندگان این مستند برای پرداختن به بحث رسانه‌های بیگانه و رسانه‌های همسو با آنها در داخل کشور تشکر کرد و ر ا بحثی اساسی دانست. شرفالدین افزود: رسانه‌های بیگانه مانند مگس عمل می‌کنند که روی زخم و حمل‌های چرکی می‌نشینند و از آن تغذیه می‌کنند و علوم ارتباطات برای تخریب چهره یا بالا بردن چهره‌ای دیگر استفاده می‌کنند. رئیس انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس با بیان اینکه برخی از موضوعات بسیار ساده به دلیل اهمیتی که رسانه‌ها به آنها می‌دهند به ناگهان مهم می‌شوند، مرگ رضقی شایبانی را یادآور شد و گفت: پیش از مرحوم شایبانی بسیاری از افراد بر اثر سرطان درگذشتند از جمله مرحوم سیفالله داد کارگردان سینما، بعد از مرحوم شایبانی نیز بسیاری از افراد دچار سرطان شدند از جمله خواننده دیگری که فکر می‌کنم هنوز هم با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند اما هیچ کدام از آنها به جنرال‌های رسانه‌ای نیز در زمانی پایان گرفت که پدر آن مرحوم گفت بپرسم از من خواسته بود برایش روضه حضرت علی کرد بخوانم، آنجا که صحبت از روضه حضرت علی کرد بشده معلوم گردید تا این جوان پاک بوده، دیگر رسانه‌های بیگانه دنبال کارنا گرفتند چون آنها دیدند وی زخم چرکی نیست که بخوانند. چون بنشینند. شفیع آقامحمدیان، کارشناس سینماتیز که در جلسه نقد و بررسی «چشم در برابر چشم» حضور داشت. خلافتاوتی در مجازات اسیدپاشان را یکی از عواملی دانست که در آن رسانه‌های داخلی اب به

آسیاب دشمن ریختند. آقامحمدیان گفت: اگر قوانین ما در مورد قصاص چنین مجرمانی شفاف باشد اجازه فسادساز به بیگگان داده نخواهد شد.

### کمک مالی از دولت در یافت نشده است

روابط عمومی رسانه ملی به ادعاهای مطرح شده در برخی پایگاه‌های خبری مبنی بر دریافت کمک ارزی و ریالی از دولت پاسخ داد. به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی رسانه ملی، در پی انتشار مطالبی در خصوص دریافت کمک‌های مالی دولت از طرف صدا و سیما، روابط عمومی رسانه ملی به شرح ذیل به این مطالب جواب داده است. روابط عمومی صداوسیما با رد ادعاهای مطرح شده مبنی بر دریافت مالیاتی نظیر «یکصد میلیارد تومان» یا «یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار» کمک دولت به صداوسیما اعلام می‌کند که سال گذشته مقدر شده بود دولت کمک مالی به سازمان اختصاص دهد ولی تاکنون هیچ کمکی انجام نشده و رسانه باخذ چندین وام توانسته است سال ۹۳ را پشت سر بگذارد. ضمناً دریافت کمک‌های ارزی از دولت در سال‌های گذشته هم بوده و موضوع جدیدی نیست و این گونه پرداخت‌های ارزی به صدا و سیما عمدتاً برای بهبود بخشی سنگدل سانی به روز شدن تجهیزات فنی و انجام می‌شود و ارتباطی به پرداخت حقوق کارکنان ندارد. اما آنچه باید بر آن تأکید مجدد شود، این است که هیچ یک از کمک‌های ریالی و ارزی تاکنون دریافت نشده است و رسانه ملی با همه مشکلات مالی که با آن مواجه است، تلاش می‌کند با قدرت بیشتر به وظایف خود عمل کند و صدای انقلاب باشد.